

## گزارش «قاصدیک» از

## خاطره سازی با



همه ادعایی که داشت، یک جایی از مسیر دچار لغزش می شد و تلاش می کرد مسیر زندگی اش را تغییر دهد.

## شکرانه تاجیکستانی

مجموعه دیگری که با هدف پخش در ماه مبارک رمضان تولید شده بود، شکرانه به کارگردانی سعید سلطانی بود. این مجموعه روایتگر حامد سلیم پور بود که برای تأسیس یک کارگاه، مجبور به دریافت کمک نقدی از پدرش می شود اما پس از مدتی متوجه می شود که پول دریافتی، متعلق به زن عمویش در تاجیکستان است.

او در جست و جوی این آشنا، به تاجیکستان می رود و این سفر، سرآغاز برخی ماجراهای متفاوت برای حامد می شود. نمایش فرهنگ و حال و هوای تاجیکستان که به بهانه این مجموعه به نمایش درآمد، بسیاری از مخاطبان را با خود همراه کرده بود. شکرانه روایتی متفاوت تر از دیگر مجموعه های مناسبتی داشت و بدون پرداختن به یک قصه خاص یا ماورایی،

## بخشی از محبوبیت

## مجموعه های رضانی

## به واسطه تیتراژ این

## مجموعه ها و خاطره سازی

## آن برای مخاطب بود؛

## مجموعه هایی که

## توانست در زمان خود برای

## مخاطبانش خاطره ساز و

## خاطره انگیز شود

حال و هوای ماه رمضان برای خیلی از ما، همان سفره ساده افطار است که نوای مناجات پخش شده از رادیو و تلویزیون در کنار آن شنیده می شود. چه زمانی که برای سحر ماه مبارک بیدار می شویم و چه وقتی که در انتظار ا... اکبر اذان مغرب پای سفره هستیم، حال و هوای مان به قاب های جادویی

تلویزیون گره خورده است. انگار این را برنامه سازان و تهیه کنندگان سریال های مناسبتی هم خوب درک کرده اند، چراکه از یک جایی به بعد، تلاش بیشتری برای پخش سریال های مناسب ماه مبارک رمضان صورت گرفت. البته بخشی از محبوبیت مجموعه های رضانی به واسطه تیتراژ این مجموعه ها و خاطره سازی آن برای مخاطب بود. مجموعه هایی که توانست در زمان خود برای مخاطبانش خاطره ساز و خاطره انگیز شود. درست مثل زمانی که گمگشته در قامت یک مجموعه متفاوت روی آنتن رفت تا نقش آفرینی مرحوم آتیلا پسیانی، حال و احوال دو فرد کاملاً متفاوت از هم را برای مان روایت کند. در آستانه ماه مبارک رمضان نگاهی به تعدادی از این آثار داشتیم.

سپیده اشرفی

روزنامه نگار



## خط شکنی به شیوه گمگشته

گمگشته جدای از هنر مرحوم پسیانی برای نشان دادن در کاراکتر متفاوت در ریتم و قصه گویی هم موفق عمل کرد و توانست با زبان طنز، پیام مورد نظر خود را به مخاطب ارائه کند. هرچند پیش از این سریال هم مجموعه های بسیاری با مفاهیم رضانی یا به مناسبت آن پخش شده بود اما گمگشته توانست به یک خط شکن در این حوزه تبدیل شود. کمابین که در سال های بعد، خط روشن تری از این مجموعه ها در پخش قرار گرفت.

## حرکت به سمت طنز

اگر بخواهیم روند شکل گیری ریتم مخاطب پسند برای مجموعه های رضانی را بررسی کنیم، باید ابتدا به کارهای مشهور رضا عطاران اشاره ای داشته باشیم که حال و هوای مجموعه های رضانی را بیشتر از دیگر سریال ها به سمت طنز و فضای مفرح سوق داد. از جمله مجموعه خانه به دوش که با روایت زندگی آقا ماشاء... و خانواده اش، یک طنز ساده و سالم را برای مخاطبان رضانی فراهم کرده بود. او فقیر بود و همین هم باعث می شد تا بخواهد زندگی خانواده اش را از این وضعیت خارج کند. او شغل های زیادی را امتحان می کرد و حتی در یک دوره، با وانتی که داشت، هندوانه فروشی می کرد. برای آقا ماشاء... پول حلال مهم بود و همین خصیصه او را جذاب می کرد. این مجموعه را باید از اولین سریال های مناسبتی طنز دانست که توانست مخاطبان سفره افطار را با تلویزیون همراه تر کند.

## متهمی که گریخت

آقا ماشاء... سریال خانه به دوش، کمی بعد به هاشم آقای سریال متهم گریخت تبدیل شد تا با هنرمندی سیروس گرجستانی، باز هم یک روایت طنز را از خانواده هایی ارائه کند که به تهران مهاجرت کرده اند. خانه به دوش قصه هاشم آقا و خانواده اش را روایت می کرد که به دلیل بیماری قلبی ناچار می شود به تهران کوچ کند. ورودش به تهران با بحران های بسیاری همراه می شود که باور هاشم آقا را نسبت به برخی مسائل تغییر می دهد. این مجموعه را هم باید مناسبتی دانست که همزمان با ماه رمضان، مخاطبان را با خود همراه کرده بود. حضور بازیگرانی مثل مرحوم گرجستانی و مریم امیرجلالی، این روایت ساده را به یک قصه جذاب و تماشایی تبدیل کرده بود.

## او یک فرشته نبود

در اشاره به سریال هایی که حال و هوای ماورایی دارند، باید به «او یک فرشته بود»، اشاره کنیم که آن حال و هوایی که در بیان مسائل ماورایی داشت، بسیاری از مخاطبان را تحت تأثیر خود قرار داده بود. سریال او یک فرشته بود، روایت مردی به نام بهزاد بود که تصادفی با زنی آشنا می شود و این آشنایی، سرآغاز ماجراهای عجیبی برای او و خانواده اش می شد. به مرور که قصه جلو می رفت، مشخص می شد زنی که بهزاد با او تصادف کرده، یک فرد عادی و معمولی نیست. این سریال توانست گامی تازه

در تولید و پخش مجموعه هایی باشد که فضای ماورایی به قصه اضافه می کنند تا بخشی از جهان غیب را برای مخاطب تلویزیون به تصویر بکشند.

## پیرمردی که صاحب دل بود

از دیگر مجموعه های مناسبتی رمضان صاحب دلان بود که یک روایت متفاوت از فردی اهل دل نشان می داد که بخش زیادی از قصه های قرآنی را تجربه می کرد. صاحب دلان، زندگی پیرمردی صحاف به نام سید خلیل صحاف زاده بود که با ورود قرآنی برای صحافی به خانه اش، خودش و نوه اش، دینا وارد ماجراهایی می شدند که از داستان پیامبران در قرآن الهام گرفته شده بود. روایت یک پیرمرد ساده و اهل دل که در آن سال به دل خیلی از مخاطبان رضانی نشست و توانست روند مجموعه های رضانی را با یک حال و هوای تازه همراه کند. حسین محبوب، محمد کاسبی، ثریا قاسمی، مهرانه مهین ترابی، مرحوم سیروس گرجستانی و حمید ابراهیمی،

از جمله بازیگران این مجموعه پرستاره بودند. کاراکترهای این مجموعه هر کدام نماد گروهی از افراد جامعه بودند که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر، روایتی از بحران های ساده جامعه را نشان می دادند.

## میوه ممنوعه

## حاج یونس

سریال میوه ممنوعه به کارگردانی حسن فتحی و محصول سال ۱۳۸۶ بود که به یک سریال رضانی تبدیل شد. حاج یونس فتحی با بازی درخشان علی نصیریان، روایت یک مرد سن و سال دار بود که عاشق شده و مسیر زندگی اش دستخوش تغییر می شود. میوه ممنوعه هم مثل بسیاری دیگر از سریال های مناسبتی، روایتی متفاوت از برخی مسائل اخلاقی را برای مخاطب به نمایش گذاشته بود. در حقیقت هر کدام از مجموعه های مناسبتی رمضان را که نگاه کنیم، از یک زاویه به مسائل شرعی یا اخلاقی نگاه کرده اند که نسبت به دیگری متفاوت بوده است. میوه ممنوعه مسأله اصلی خود را متمرکز بر آبروی یک پیرمرد متدین گذاشته بود که با وجود

